

Honey Mandy:

This is my biography

I'll send Mrs. SIMIN JALALI

a copy, so she would read it

### زندگی نامه سیروس توفیق

سیروس توفیق در سال ۱۳۰۲ شمسی ( ۱۹۲۴ ) در طهران زاده شد . مادر و پدر او ، بنام مهرانگیز ( میثاقیه ) و یعقوب توفیق ، از احبای کاشان و خود فرزند کسانی بودند که در عهد ابهی ایمان آورده بودند . هریک از آندو از محضر دانشندان و مبلغین امر بهره برده توشه ای از معارف امری اندمخته بودند . مخصوصا شاعر و مبلغ گرانمایه کاشان - جناب میرزا ماشاءالله لقانی - که یکچند مبلغ و مربی در بیت تبلیغی خانه آنها بود اثری بسیار بر آشنائی و الفت آنان با ادبیات و آثار امری داشت . یک دانی سیروس توفیق - جناب عبدالیثاق میثاقیه - از جوانی شعر میسرود و در سالهای بالای عمر هم ، با وجود مشاغل مختلف ، اشعار نغزی میگفت . دانی دیگر او - جناب نورالله میثاقیه - نقاشی هنرمند بود .

سیروس توفیق تحصیل را از مدرسه تربیت پسران طهران آغاز کرد ، و پس از بسته شدن آن و دیگر مدارس بهائی ایران به دستور دولت - در آخر ۱۳۱۳ - به مدارس دولتی از جمله کالج البرز رفت و تحصیلات عالی را در رشته اقتصاد تعقیب نمود . وی چندی نیز در انگلستان و آمریکا به تحصیل پرداخته درجه دکتری در اقتصاد گرفت و سالها در ادارات اقتصادی بانک مرکزی ایران خدمت نمود .

سیروس توفیق از کودکی به تعلیم و تعلم و تدریس و خطابه و نگارش علاقه داشت . پیش از آنکه او را به مدرسه بسپارند دروس مقدماتی را از خواهر و برادر بزرگترش آموخت ، و چون به مدرسه رفت آنچه را یاد میگرفت به خواهران خردسال خود تعلیم میداد . درخاندانهای منسوب از او برای کمک به شاگردان ضعیف کمک میخواستند ، و خود او هم کودکان خرد سال را سراغ کرده خواندن و نوشتن را با اسلوبی ساده به آنان یاد میداد . وقتی در بزرگی سرپرست اداراتی در بانک مرکزی ایران شد چندین جوان را برای گذراندن دوره های تخصصی به خارجه فرستاد و خود هم بعد از ساعات اداری در آموزشگاههای عالی رشته اقتصاد و بانکداری را تدریس مینمود . همکارانش میگفتند هرکه از مقابل اطلاق توفیق عبور کند وی او را به داخل میخواند و یکی دو درس در آمار و اقتصاد به او میداد . در سالهایی هم که در خدمت سازمان ملل متحد بود صرفنظر از کمک به تأسیس بانک مرکزی در کشورهای نو خاسته افراد بسیاری از اتباع آن کشورها را تعلیم داده برای ادامه کار آماده میکرد .

at the  
monial  
I'll give you  
soon there  
less of  
my books  
that should  
be notified  
in the  
above lady.  
Honey